



آیات مربوط به تفکر در ساخت انسان

(۳)

دکتر ابوتراب نفیسی

اصفهان

انسان يك موجود متحول

در بحث پیشین، از ویژگیهای انسان سخن به میان آمد، و «خلقت» او به عنوان مبدء آفرینش و اوج تعالی وی، مطرح گردید، اینک سایر ویژگیهای او:

دوم - بشر بودن انسان (آیه ۲۰). «بشر» در اصطلاح لغوی به ظاهر بودن «پوست» میگویند و لغت «بشره» که قسمتی از جلد یا پوست را تشکیل می دهد آن طبقه است که نمایان است و ظاهر؟ و علت آنکه انسان را «بشر» گویند این است که پوست او نسبت به حیوانات عالم کم و تر است و قسمت اعظم پوست بدنش مونس دارد، یا اگر مو دارد مثل حیوانات به عنوان لباس و پوشش کافی بکار نمی رود و بهمین جهت است که انسان تنها موجودی است که به لباس و پوشش احتیاج دارد و همین خاصیت در ضمن آنکه

و ایستگی او را به يك دست افزار جدید که خود باید بسازد و تهیه کند یا از وسائل طبیعی چون برگ درختان و گیاهان و پوست حیوانات و غیره استفاده کند، نشان می دهد، قدرت سازندگی او را تقویت نموده و مغز او را در این جهت رشد میدهد و همچنین سازگاری او را با محیط های مزاحم مختلف امکان پذیر می سازد یعنی وسیله مبارزه با هوا یا اقلیم نامساعد را بدومی آموزد و همین خصیصه راه «انتشار» او را که در قسمت آخر آیه ۲۰ بیان اشاره شده آسان تر میسازد.

سوم - انتشار انسان (آیه ۲۰) انسان تنها

یعنی « ما شما را از مرد و زن آفریدیم و دارای قبیله ها و دسته های مختلف برای شناسائی و آشنائی با یکدیگر قرار دادیم ولی گرمی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما خواهد بود » معهذاً زایربری آنها را در خلقت نفی نکرده و از نظر علمی نیز این مطلب مورد تأیید است ، چراکه ساختمان جسمی و عصبی و روانی زن و مرد باهم تفاوت دارد تا این دو فرد - یعنی زن و مرد - مکمل یکدیگر واقع شوند تا بتوانند يك « واحد » را تشکیل دهند و این واحد را بنام « خانواده » می نامیم مانند الکترون و پروتون يك هسته اتم .

حال ببینیم این کوچکترین واحد اجتماع که بحق آنرا باید « کانون » نامید برچه خصوصیتی باید بنا نهاده شود در اینجا و در این آیه این خصوصیات بوضوح شرح داده شده که عبارت است از :

۱- احساس آرامش

۲- وجود مودت و دوستی

۳- وجود رحمت و مهربانی

بعبارت دیگر در اسلام آن خانواده ای « کانون » محسوب می شود که از ۳ خصوصیت فوق برخوردار باشد و آن خانواده ایست که می تواند الگوی قرآنی قرار گیرد.

در این ۳ خصوصیت، مشخصات کامل همزیستی عمیق و ریشه دار این دو موجود مختلف که ممکنست از جهات متعدد ساختمانی بدنی، روانی، اقتصادی اجتماعی؛ سیاسی و غیره باهم فرق ها داشته باشند آورده شده . یعنی سازگاری و توافق بین دو انسان که از صفات عالی انسانی، دوستی و مهربانی نسبت بیکدیگر برخوردار بوده و در نتیجه محیط آرام را به وجود می آورند ، دريك چنین کانون است که کودک نیز میتواند از سلامتی جسم و روح برخوردار باشند و فرزندان مفید برای اجتماع بشمار آیند . چون مسلم است که اساس محیط درونی

موجودی است که می تواند در همه اقطار روی زمین در گرمترین و سردترین مناطق ، در مرتفع ترین نقاط، و حتی در روی دریا و زیر دریا و در هوا زندگی کند و خود را با انواع زندگی ها و اقلیمها و آب و هوا ها و شرایط نامساعد محیط سازگار کند، یا وسائلی برای حفاظت خود به وجود آورد و این قدرت خلاقیت او منحصر بفرود است و خداوند هم در این آیه باین خصیصه اشاره کرده و آنرا بدنبال « بشر » شدن انسان که هر دو نشان - دهنده مشخصات این موجود عالی است آورده و تذکر داده است که او در ادنی ترین و پست - ترین عناصر یعنی « خاک » (البته در نظر عموم) بوجود آمده و يك چنین توانائی در آن نهاده شده است .

اهمیت خانواده

چهارم - خانواده یا کوچکترین کانون اجتماع - در آیه ۲۱ انتخاب همسر و خصوصیات و فوائد آنرا برای زندگی اجتماعی بیان میکند و در آن از چند خصیصه نام برده که شایسته است بآنها توجه کنیم :

اولا - همسر انسان از جنس خود انسان و موجودی مشابه او است ولی هر دو « مکمل » یکدیگرند یعنی در عین حال که از بسیاری جهات اصلی شبیه اند و مثل آنست که از « نفس » هم خلق شده باشند ، باز دارای تفاوت هائی بیولوژیک و در نتیجه « روانی » هستند که یکدیگر را تکمیل می کنند .

قرآن گرچه از نظر اجتماعی تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست و آنها را در مقابل کسب حقوق مدنی و اجتماعی یکسان فرارزاده و « عمل » هر کس را ملاحظه تفاوت ها شمرده و فرموده است « انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقیکم » آیه ۱۳ سوره ۴۹ .

«مهربانی» و «ایثار» و فداکاری - اگرچه علم هم اثرات آنها را می‌تواند عیان به‌بیند و باصطلاح لمس کند - زیرا مسلم است که آن کس که نتواند در یک اجتماع کوچک زندگی کند در اجتماع بزرگتر نیز فرد مفیدی نخواهد بود - منتها محیط این اجتماع کوچک را باید سالم ساخت و بمحض اینکه احساس عدم آرامش و دوستی و مهربانی در آن راه یافت و با ممارست و منطقی و عقل سلیم موفق به اصلاح آن نشدیم اجازه گسستن آن کانون و تشکیل کانون یا کانون های دیگر که بر اصول فوق پایه‌گذاری شده باشد داده شده است .

پنجم - خلق آسمان‌ها و زمین (آیه ۲۲)
که از آیات بزرگ آفرینش و نشان دهنده وجود

قوانین و سنت‌های الهی و راهبر راه وحدت و یگانگی یعنی اصل اول دین اسلام یا «توحید» است که چون ما در مباحث قبلی بدان اشاره کردیم از شرح آن می‌گذریم.

ششم - اختلاف زبان‌ها و رنگها (آیه ۲۲)
اصولاً وجود اختلاف در موجودات و از آن جمله در نوع بشر ، بستگی به دو دسته عوامل محیطی و درونی دارد و آنها هم که با محیط بستگی دارند، چون با واکنش خاص موجود زنده نسبت بآن محیط مربوطند ریشه درونی دارند ، یعنی همه پاسخ‌هایی را که موجود زنده و از جمله انسان در جهان میدهد و سیر تکاملی که انجام میدهد طبق قوانین «ژنتیک» است (۱).

در انسان قریب یکصد هزار ژن در هر سلول هست که هر کدام از آنها موظف بیک گونه‌خصیصه آن فرد است. یکی موی سر را بور میکند دیگری سیاه، سومی سرخ و دیگری سفید، عده‌ای مأمور تغییر رنگ چشم‌ها هستند، عده‌ای مأمور تعیین

و روانی هر کس در کودکی ریخته می‌شود و آن چه در کودکی آموخته می‌شود مانند نقش بر سنگ پایدار می‌ماند و به زحمت قابل ستردن و محو کردن است.

یکی از بزرگترین و مؤثرترین مدارس هر کس دوره کودکی او است، اگر کودک در این دوره در محیطی آرام و خالی از کشمکش و تنازع و دشمنی و کینه‌توزی و نفرت و تفرقه پرورش یافت فکری سالم و متعادل خواهد داشت و اگر برعکس باشد نتیجه همانست که این روزها بچشم می‌بینیم .

محروم ساختن کودک از «خانواده» یعنی رها کردن او در یک اجتماع «بی‌نام» و «بی روح» که خالی از محبت و مهربانی و آرامش باشد، نوعی فرار از مسئولیت است .

کدام عاطفه و مودتی جای محبت مادری را می‌تواند بگیرد و کدام دایه یا پرستار یا عضو «حزبی» برای کودک دلسوزتر از مادر او خواهد بود و کدام محیطی امن‌تر از کانون گرم خانواده یعنی اجتماع کوچک انسان‌ها می‌تواند باشد .

ما از یکطرف مادران را برای کار باصطلاح تولیدی در کارخانه‌ها و ادارات و موسسات اجتماعی دعوت می‌کنیم و بکار می‌گذاریم و از طرف دیگر نونهالان آنها را (که هیچکس نمی‌تواند منکر مهر و محبت غریزی آنان بدان‌ها شود) در زیر دست پرستاران حرفه‌ای یا پرورشگاههای عمومی و موسسات قالبی قرار می‌دهیم که مسلماً نمی‌خواهند و نمی‌توانند جانشین مادران شوند.

اسلام بشدت از تعمیم کانون‌های خانوادگی بر بنیان اصول سه‌گانه پیش‌گفته، دفاع می‌کند و از نظر علمی و اجتماعی نیز می‌بینیم حق با آنست و چیزی را که علم نمی‌تواند در لابراتوار ببیند ولی انسان می‌تواند حس کند آن «عشق» است و

وقلبی و عروقی و عصبی و روانی است ، مخصوصاً قسمت اخیر که بشدت روبفزونی است و نسل بشر را تهدید می کند .

پس راهبر و نمایانگر این اختلافات در ژن ها نهفته است آنها هم نه صدها و هزارتا بلکه صدهزار تا درهسته سلولی که خودش از چند هزارم یک میلیمتر هم کوچکتر است - وجود این همه اختلاف که راهنمای آن دریک حجم باین کوچکی نهاده شده دلیل وجود قدرت راهبر با اراده ای مافوق ماده موجود در سلول است که بآن تعلق گرفته و آئینده آنرا تعیین میکند با راهبری میکند و راه های مختلف را بآن نشان میدهد و برای هر راه جدیدی هم چراغ راهنمایی بوجود می آورد تا بتواند گمراه نشود و بزندگی سالم خود ادامه دهد و از روی همین اختلافات و تحولات است که وجود خداوند ثابت میشود همانطور که حضرت سید الشهداء (ع) در دعای عرفه میفرماید : « الاهی علمت باختلاف الاثار و تنقلات الاطوار ان مرادك منی ان تتعرف الی فی كل شیء حتی لا اجهلك فی شیء » یعنی از اختلاف نموده ها و تحول دائمی پدیده ها دانسته ام که میخواهی در هر چیز خود را بمن بشناسانی تا در هیچ چیز بوجود تو نادان نباشم .

در این آیه بدو گونه از این اختلاف های بین مردمان اشاره شده یکی اختلاف در رنگ پوست مردم و نژادهای مختلف است که با هر چشم بوضوح میتوان دید و این يك اختلاف جسمی است و با اصطلاح

قدوبالا هستند .

عده ای مأمور ترشح مواد برضد میکربها هستند عده ای مأمور تهیه وسائل دفاعی در مقابل سرما یا گرما یا تهاجم و غیره هستند و هر فردی برای خود يك عده ژن معین و مشخص دارد و می تواند بر حسب زمان و مکان تغییراتی در ژنهای خود بدهد که بد نسل بعدی وارث برسد ، یا اینکه نوع واکنش را تغییر دهد - زیرا عده ای از ژن ها در مقابل ماده بخصوصی اثر نمی کند بلکه در مقابل يك دسته از مواد واکنش نشان می دهد یعنی بدن قادر است در مقابل عوامل تازه محیطی هم بنوعی واکنش نشان دهد و عده ای از ژن های بی وظیفه خود را موظف سازد .

البته مقصود از بی وظیفه فاقد وظیفه خاص است والا هیچ ژنی بدون وظیفه نیست .

از آنجمله دفاع بدن در مقابل داروها یا مواد آرایشی یا غبارها و آلودگی های محیط است که همه برای اوتازگی دارد و گاه ممکنست يك بدن در مقابل تازه واردان و ناشناسان متعدد گسیج شود و کنترل خود را از دست دهد که این که امروزه با پیشرفت سریع صنعت داروسازی و رنگ سازی و آرایشی و موادی که بخورا کها اضافه می کنند و سایر عوامل آلودگی محیط ، بدن اغلب انسانها قادر به مبارزه با آنها نیست و کاملاً مجهز نشده و در نتیجه محیط درونی او و از آنجمله روان او سردرگم و گیج شده و اعمال حیاتییش نیز ممکنست مختل شود که نمونه آن پیدایش انواع و اقسام بیماری های پوستی - آلرژی - و هاضمه ای و تنفسی

۱- البته در قوانین بیولوژی انسانی تفکیک عوامل درونزا و ژنتیک با برونزا و محیط ، امکان پذیر نیست و هر دو بر رویهم اثر «متقابل» دارند ، هم محیط ژن را تغییر می دهد و هم ژن انسان و محیط را ، و عقل سلیم حکم می کند که هر دو دسته عوامل را در نظر بگیریم زیرا اگر اثر محیطی را نفی کنیم پرورش را که اساس هر مذهب و مکتب را تشکیل می دهد نفی کرده ایم و اگر ژن را نفی کنیم تفاوت های مردم و واکنش آنها را در مقابل محیط نفی کرده ایم و این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند .

امام خمینی

● امام خمینی در نجف هنگام حرکت به پاریس فرمود:
از این فرودگاه به آن فرودگاه میروم و صدای ملت اسلام را بگوش
جهانیان میرسانم .

● امام در پیام مهم خود به مسلمانان جهان در روز عرفه فرمود:
اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد، پیروز است .
ای زائران خانه خدا توطئه‌های چپ و راست به خصوص آمریکای چپا و لگر
و متجاوزان اسرائیل جنایتکاران را بگوش عالمیان برسانید
ای مسلمانان جهان شما را چه شده که در صدر اسلام با عده بسیار کم
قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی و انسانی، ایجاد نمودید،
اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگ کسه
بالاترین، حربه است در مقابل دشمن اینچنین ضعیف و زبون شده‌اید
ای مسلمانان و ای مستضعفان عالم، دست بدست هم دهید و به خدای
بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به
حقوق ملتها، پرخاش کنید .

● پیام امام بمناسبت روز ۱۳ آبان:
بر دانش آموزان، دانشگاہیان و محصلین علوم دینی است که با
قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده تا آمریکا
را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند، و این توطئه بزرگ
را با ردیگر، شدیداً محکوم کنند .
● بمناسبت روز دانش آموز در دبیرستان حکیم نظامی قم بتاريخ ۱۳
آبان فرموده شد .

ای ملت دل قوی دارید که پیروزی با شماست .
روشنفکران و نویسندگان و تمام کسانی که مغز متفکر هستند با همه
قشرهای ملت پیوند داشته باشند، قدرتهای خارجی و توطئه‌های خارجی
و قلمهای مسموم نمیتوانند از این سیل خروشان جلوگیری کنند، دشمنان
ما باید بدانند که ملت ما دیگر سست نخواهد شد و شما به مقاصد خود نخواهید
رسید . نمی‌گذاریم توطئه‌های آمریکا و انگلیس به ثمر برسد .

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال و انقلاب اسلامی الجزایر چنین فرمود:

امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن حاضر، گرفتاری های خود و منشاء آنرا بدرستی بررسی کنند و با اتحاد همه جانبه و اتکاء به اسلام و در زیر پرچم پرافتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهایی یابند.

امام خمینی در جمع خانواده های شهدای ۱۵ خرداد فرمود:

از اسلام نترسید و مردم را نترسانید شما ها که قلم دستتان می گیرید و از اسلام بی اطلاع هستید شما فقط یک کلمه اسلام شنیده اید، گاهی هم یک کتابی خوانده اید که شاید نویسنده اش هم از اسلام اطلاع صحیحی نداشته است. بدون اطلاع از اسلام و بدون اطلاع از فلسفه احکام اسلام، ستم پاشی می کنید.

مگر امیرالمومنین که ولی امور مردم بود دیکتا تور بود مگر خود پیغمبر که ولایت داشت دیکتا تور بود، مگر اینکه بگویند ولایت برای پیغمبر هم نیست. پیغمبر هم مثل سایر مردم و از اینها بعید نیست که این را بگویند، لکن جرئت نمی کنند.

امام خمینی روز ۱۴ آبان در دیدار با کارمندان بیمه مرکزی ایران فرمودند:

در ایران با زانقلاب است انقلاب بزرگتر از انقلاب اول، و در همان روز در دیدار با دانشجویان دانشگاه اصفهان فرمودند:

آقایان باید توجه داشته باشند مجرد اینکه چیزی به گوشان خورد و هنوز مطلب را درست نفهمیدند چیست، نریزند بشکنند و موا دره کنند و بعد هم اعلام کنند که ما با قوه قهریه، مقابله خواهیم کرد.

کاری نکنید که ایران را متهم بکنند به اینکه حکومت جنگل دارند، باید شما الان همه جهات را حفظ کنید، آداب اسلامی را باید حفظ کنید، آداب اسلامی این است که هر کس خودش را موظف بداند به این کسه حفظ حدود و شعور را بنماید.

انقلاب اسلامی معنایش این است که یک مملکت طاغوتی که هر کس می خواست ظلم بکند به اتکال سرنیزه می کرد، مبدل شده است به یک مملکت اسلامی که روی موازین اسلامی عمل می شود.

امام در دیدار با شهرداران فرمود: میل دارم که عمل ما بیشتر از قولمان باشد یا موافق قولمان.

ملت ما برای شکم قیام نکرده است.

پایگاه کودک در نظام آموزش و پرورش اسلامی



انجمن اسلامی دانشکده علوم تربیتی وانجمن اسلامی
معلمان شیراز و عشایر ، از ۲۲ تا ۲۵ شهریور امسال به منظور
بررسی و شناخت آموزش و پرورش اسلامی سمیناری برگزار
کرد که جمعی از صاحب نظران در این سمینار شرکت و سخنرانیهایی
ایراد کردند . *رسال جامع علوم انسانی*
محل برگزاری سمینار تالار آل احمد در دانشکده ادبیات
شیراز بود .

مطالبی که در اینجا ملاحظه می کنید ، تدوین و تکمیل دو
سخنرانی است که ظرف دوروز ، نگارنده در آن سمینار، ایراد
کرده است . امید است برای خوانندگان گرامی این مجله نیز
سودمند واقع شود .

حتمابانیاں محترم این سمینار ، نظام آموزش و
پرورش اسلامی را شناسانده اند و به همین جهت از
من خواستند که پایگاه کودک را در آن نظام

این موضوع دو جنبه دارد :

- ۱- پایگاه کودک
- ۲- نظام آموزش و پرورش اسلامی

معرفی کنم .

چیزهای دیگر نمیداند ؟

۲- انسان هنگام ولادت، هیچ نیست . مثل يك تخته چوب میماند . هیچگونه زمینه ای در وجودش برای تحقق يك چستی و يك ماهیت معین نیست . همانطوری که يك تخته چوب ، بدست يك نجار، میز، صندلی، در، پنجره یا چیز دیگر می شود و از خودش هیچگونه استعدادی و تسلاشی در این راه، انجام نمیگیرد، انسان نیز چنین است . این عامل خارجی است که سازنده اوست از نظر بعضی این عامل ، اقتصاد و از دیدگاه بعضی ، عقده جنسی یا لیبیدو (۳) و به عقیده بعضی محیط و به قول بعضی نژاد است

بنابراین اقوال مربی و خانواده و سیستم تعلیم و تربیت نقشی ندارند و آنچه که نقش دارد، عوامل مذکور است. اینها اگر هم نقشی دارند، واسطه اند و ایفاءکننده نقش عوامل و علل اصلی هستند.

۳- عقیده ای هم فلاسفه آگزیستانسیالیسم دارند به نظر اینها انسان در آغاز پیدایش هیچ نیست . ماهیت و چیستی معین ندارد . لکن چنین هم نیست که در اختیار عوامل خارجی باشد و از خود هیچ-گونه دخالتی در ساختن ماهیت خود نداشته باشد انسان آگاهی و آزادی سازندگی دارد هم خود را می سازد ، هم چیزهای دیگر را می سازد و هم افراد دیگر را برای ساخته شدن کمک و ارشاد میکند .

طبق این نظریه، مربی و خانواده و سیستم آموزش و پرورش با توجه به آزادی و اختیار انسان می توانند دارای نقش مؤثری باشند و می شود گفت در تاریخ

مقصود از پایگاه کودک چیست؟ پایگاه عمومی کودک یا پایگاه خاص کودک . پایگاه عمومی کودک، همان پایگاه عمومی انسان در جهان خلقت است و پایگاه خاص کودک بستگی به پایگاه عمومی وی دارد.

اگر پایگاه عمومی انسان را بشناسیم می فهمیم که باید کودک را چنان پروریم که تناسبی با آن پایگاه داشته باشد و بنا بر این بی می بریم که پایگاه کودک در نظام آموزش و پرورش اسلامی چیست ؟

می توان گفت : در باره انسان مجموعاً چهار نظریه وجود دارد .

۱- اینکه انسان با يك سلسله مفاهیم فطری یعنی فعلی ، دنیا می آید . این مفاهیم در نظر دکارت فرانسوی عبارتند از : خدا، بعدوزمان و در نظر کانت آلمانی عبارتند از : زمان و مکان و معقولات دوازده گانه (۱)

طبق این نظریه، قسمتی از ماهیت انسان از پیش ساخته شده و بقیه باید بعد از تولد ساخته شود درست مثل این است که از يك ساختمان - مثلاً - طبقه زیرین ساخته شده و اکنون باید بقیه طبقات آن را بسازیم .

مشکل، اثبات این نظریه است. آیا انسان هنگام تولد چیزی می داند یا بقول قرآن هیچ نمیداند؟ (۲) اگر فرض کنیم چیزی میدانند ، چه دلیلی داریم بر اینکه آنچه کانت و دکارت گفته اند ، میدانند و

۱- معقولات دوازده گانه آنها هستند که در تصدیق به کار می روند ، سه تای آنها مربوطه به کم قضیه است : جزئی، کلی و شخصی و سه تای آنها مربوط به کیف قضیه است: ایجاب، سلب و عدول و سه تای آنها مربوط به جهت قضیه است، ضرورت قطعیت، امکان و سه تای آنها مربوط به نوع قضیه است: حملی شرطی و انفضالی

۲- والله اخر جکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً (نحل ۷۸)

Libido -۳

فطرت و سرشت خاصی که همان «فطرة الله» (۱) است، معرفی می‌کند. اما این فطرت، نه به آن معنایی است که کانت و دکارت می‌گفتند، بلکه به معنای امکان استعدادی است که فلاسفه اسلامی می‌گویند.

مطابق این نظریه، انسان مانند نهال سیب است، با این فرق که نهال سیب آگاهی و آزادی و سازندگی ندارد، ولی انسان دارد. در نهال سیب استعدادی است که اگر شرایط پرورش آن فراهم گردد، سر انجام سیب میدهد و اگر آن شرایط فراهم نگردد، یا آن نهال خشک می‌شود یا به حال نیمه‌جان میماند و سر انجام هم باید خشکیده و چوب آن سوزانده شود و می‌شود گفت: مسخ می‌شود.

بسوزند چوب درختان بی بر

سزا خود همین است مربی بری را
اشکال نظریه سوم این بود که برای انسان شدن یا مسخ شدن الگویی و معیاری نداشت. و به همین جهت پذیرفتن این ادعا که چرا یکی مسخ می‌شود و یکی انسان می‌شود، دشوار بود ولی

طبق این نظریه، همان فطرت و استعداد الهی انسان معیار است و آن انسانهایی که فطرتشان شکفته و استعدادشان پروریده شده، الگو هستند بنابراین می‌توانیم بگوییم: چه کسانی مسخ شده و چه کسانی انسان شده‌اند؟ چه کسانی حکم چوب خشک سوزاندنی دارند و چه کسانی حکم آن درخت سبزی دارند که اکنون بارور شده، گل و میوه میدهد و باغبان را سرافرازی و خوشنودی می‌بخشد؟ چه کسانی سگ و ارا لاغ و وارو گمراه تراز چارپایانند (۱) و چه کسانی انسان و «عباد الرحمن» (۲)، هستند؟

آری در باره طفلی که تولد می‌شود، نباید بگوییم هیچ نیست. باید بگوییم: انسان بالقوه است، مسلمان بالقوه است، توحیدی بالقوه است

انسان شناسی، صاحبان این نظریه تاحدی پایگاه انسان را شناخته و پاره‌ای از ارزشهای او را کشف کرده و حتی پی برده‌اند که انسان ممکن است در راه ساختن چیستی و ماهیت خود، بهترین یا بدترین پا حد وسطی بسازد و بنا بر این نمی‌شود گفت انسان نوع واحد است. بلکه ممکن است دارای انواع مختلفی باشد و بعضی از آنها که در شکل و شمایل انسانند ممکن است اصلاً انسان نباشند و در حقیقت مسخ شده باشند.

این حرفها جالب است. ولی طبق چه معیاری می‌گویند: انسان مسخ می‌شود؟ اگر انسان در آغاز پیدایش هیچگونه ماهیتی ندارد و باید خودش ماهیت ساز باشد، از کجا می‌فهمیم که مسخ شده؟ آیا این انسان، غیر از همان تخته چوب است که در نظریه پیش ذکر شد؟ آیا اگر یک تخته چوب بجای اینکه یک صندلی زیبا بشود یک چارپایه بد قواره شد، مسخ شده است؟ یا اینکه اگر به جای اینکه قسمتی از تخت یک بیمارستان بشود، دسته چاقوی یک آدمکش شد و سینه یک بیگناه را سوراخ کرد، مسخ شده است؟

این اشکال اساسی، ما را بر آن می‌دارد که در مسأله انسان شناسی سراغ نظریه دیگری برویم که هم دارای معاسن این نظریه و هم از معایب آن برکنار باشد.

۳- با قبول اصل آزادی و آگاهی و سازندگی انسان، وی موجودی است که از آغاز خلقت با استعداد معینی به دنیا می‌آید. این استعداد معین، از همان اول انسان را برای یک نوع چیستی خاص مهیا و آماده کرده و اگر کوشش در راه شکفته شدن آن انجام گیرد، این موجود، انسان می‌شود و اگر چنین کوششی انجام نگیرد، همانطوری که مکتب «اگزیزم» می‌گوید، مسخ می‌شود. این همان نظریه اسلام است که انسان را دارای

و اعتمده و ابعیل اسه جصیما و الاتفرقوم
 گزارشی از هفدهمین کنفرانس سالانه
 انجمن اسلامی دانشجویان ایالات
 متحده آمریکا و کانادا

انجمن اسلامی دانشجویان ایالات متحده
 آمریکا و کانادا در اول ژانویه ۱۹۶۳ (۱۰/۱۰/۴۱)
 در دانشگاه «ایلینوئیز» به وجود آمد. در اولین
 کنفرانس تشکیل شده، ۲۵ نفر از دانشجویان از ۱۵
 دانشگاه شرکت کردند عضویت در آن پس از
 چندی برای تمام مسلمانان آزاد شد و فعالیتهای
 آن، مسلمانان همه گروهها را بخود جلب کرد.
 در اوائل سال ۱۹۷۰ مؤسسه وقف اسلامی
 شمال آمریکا بوجود آمد.

کنفرانس سالانه انجمن، همه ساله بطور منظم
 در آمریکا تشکیل می شود و عده زیادی از
 مسلمانان ایالت های آمریکا، کانادا و سایر
 کشورها را به خود جلب می کند.

کنفرانس اسلامی، هفدهمین کنفرانس سالانه انجمن
 اسلامی دانشجویان ایالات متحده آمریکا و کانادا
 بود که در دانشگاه میامی (Miami) تشکیل
 شد و در آن در حدود سه هزار نفر شرکت کردند.
 دانشگاه میامی، دانشگاه نسبتاً بزرگی است
 که در حدود چهارده هزار دانشجو دارد و
 در شهر دانشگاهی «آکسفورد» در ایالت «اهایو»
 قرار گرفته است.

انجمن اسلامی دانشجویان (MSA) دو
 مجله مخصوص بخود دارد که یکی بنام
 «Horizon» و دیگری به نام «الاتحاد»
 می باشد، اولی مجله ماهانه و دومی فصلنامه است
 و به نشر مقالات اسلامی در زمینه های گوناگون

طوبه گاه

و صفت

۱۲

آمریکا

اختصاص دارد .

دروندگی پیامبر بزرگ اسلام برگزار شد. از حوزة نیویورک سه اتوبوس مسافری راهی «آکسفورد» محل تشکیل کنگره شد که فقط دو نفر ایرانی در میان آنها دیده می شدند!

کنگره روز جمعه ۲۵ مه با برگزاری مراسم نماز جمعه شروع به کار کرد.

اجتماعات در سالن وسیع و مجهز دانشگاه میامی تشکیل می شد و در کنار این سالن محل وسیعی برای ادای نماز در نظر گرفته شده بود. در اطراف تالار اجتماعات بازار اسلامی در درغرفه های گوناگون فعالیت داشت، غرفه ها به-

محل های ۳۰، ۵۰ و ۱۰۰ فوتی مربع تقسیم می شدند و اجازه کنندگان برای هر فوت مربع ۲/۵ دلار در طول کنفرانس پرداخت می کردند .

محل ثبت نام شرکت کنندگان در اطراف همین تالار اجتماعات واقع بود و محل دیگری برای اشیاء گمشده و پیدا شده در نظر گرفته شده بود .

اطاقهای نسبتاً بزرگ دیگری در اطراف سالن اجتماعات برای تشکیل جلسات بحث های خصوصی و عمومی گروه های مختلف از ملیت های گوناگون وجود داشت که با تنظیم برنامه قبلی می توانستند در آن، تشکیل اجتماع دهند.

بازار اسلامی عمدتاً به فروش کتابهای اسلامی اختصاص داشت، و اجناس دیگری نیز به فروش می رسید تنها محدودیتی که برای فروش اجناس وجود داشت، آن بود که هیچ چیزی که مخالف

با مبانی اسلام است نباید فروخته شود.

موضوع خطبه نماز جمعه که بوسیله برادر : حسین پاشا ، قرائت شده بود « محمد (ص) سرمشق پرهمیزگاری و مسئولیت الهی بود .

در اولین جلسه که در ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز (جمعه ۲۵ مه) با تلاوت آیاتی از قرآن کریم تشکیل شد، مهمانان جلسه بوسیله دبیر کل کنگره معرفی

تقاضا نامه شرکت در کنگره سالانه ، معمولاً چند ماه قبل از تشکیل آن همراه با برنامه های کنفرانس در مجله : (Horizon) بچاپ می رسد .

زمان تشکیل کنگره، معمولاً طوری تنظیم میشود که پس از امتحانات دانشجویان دانشگاه های مختلف باشد تا فرصت کافی برای شرکت در کنفرانس به آنها داده شود، همچنین سعی بر این بوده است که در زمان تشکیل ، از تعطیلات آخر هفته و تعطیلات رسمی استفاده شود.

برای نمونه، امسال کنگره در روزهای ۲۵-۲۸ مه تشکیل شد که روزهای ۲۶-۲۷ مه تعطیلات آخر هفته ۲۸ مه تعطیل رسمی بود.

امور کنگره در رابطه با شعبه های انجمن اسلامی در ایالات مختلف تسهیلاتی در زمینه های ثبت نام، مسافرت و ... برای شرکت کنندگان فراهم می آورد.

کنگره کلیه تسهیلات لازم را در جهت تأمین مسکن و خوراک برای شرکت کنندگان به وجود می آورد.

در رابطه با مسائل ایران ، گزارش سالانه شانزدهمین کنگره اسلامی دانشجویان ایالات متحده آمریکا و کانادا می نویسد : « سال (۱۹۷۸) ۱۹۷۹) منطبق بر سال احیای روح اسلامی در جهان اسلام بود. علائم دیدنی ارتعاشات ، و بعد از آن انفجار در ایران دوره مهمی در تاریخ ما را نشان می دهد. این توسعه، برای مسلمانان روشن و فعال همه جهان ، تشجیع کننده است . انقلاب اسلامی ایران با همه جنبه ها و تأثیراتش فرصت بسیار خوبی برای ما به وجود می آورد که اسلام را در متن انقلابی اش مطالعه کنیم.»

کنگره امسال به زندگی حضرت رسول اکرم (ص) و ارتباط آن با مسلمانان شمال آمریکا ، اختصاص داشت ، این کنگره در پانزده جلسه مستقل از هم ، با بحث درباره موضوعات مختلف

شدند ، همچنین راهنماییهای لازم برای راهیابی به محل‌های اقامت و معرفی برنامه‌های کنگره به عمل آمد.

جلسه دوم که در ساعت ۹/۱۵ بعد از ظهر همانروز تشکیل شد به موضوع « زندگی محمد (ص) سرمشق کامل » اختصاص داشت و سخنرانی جلسه را برادر « جمال بدوی » بعهدہ داشت. در این سخنرانی موضوعاتی از قبیل : محمد سرمشق تکامل انسانی در همه جنبه‌های زندگی برای همه زمانها، برای همه انسانها ، حد اعلائی همه ارزشها ، تکمیل و تتمیم رسالت سرمشق روشنگر ، معیار پیشرفت و ارزشیابی ، سرمشق کامل برای قضات ، مدیران، فرمانروایان، عدالت جهانی، برادری جهانی، تساهل و تسامح، روابط بین‌المللی سرمشق کامل برای رهبران ارتشی نیت صادق تواضع در مقابل صلح شرافتمندانه تصمیم‌واراده بزرگوار و جوانمردی در پیروزی، سرمشق کامل برای هرانسانی، فداکاری شخصی، زندگی خانوادگی (بعنوان شوهر، پدر و پدربزرگ و روابط خویشاوندی) و اجتماعی آن حضرت مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

* * *

در ضمن سئوالی که در پایان جلسه راجع بصلح « حدیبیه » و ارتباط با پیمان خائنانه صلح مصر و اسرائیل و فتوای دانشگاه الازهر در تأیید این پیمان خائنانه ، از ناطق بعمل آمد ، وی ضمن مقایسه ، چنین نتیجه گرفت که صلح « حدیبیه » که با طراحی پیامبر اکرم (ص) پی‌ریزی شده بود، امتیازات فراوانی برای اسلام داشت و در- حقیقت بزرگترین امتیازی بود که پیامبر توانست از دشمن بگیرد. نامبرده که بسیار مستدل صحبت می‌کرد، فزائانی از مواد این پیمان صلح را بر شمرده و موضوع را روشن ساخت و آنگاه ضمن حمله شدید به پیمان صلح سادات - بگین ، فتوای دانشگاه الازهر را مردود شمرده، آن راه محکوم

ساخت .

سومین جلسه کنگره بامداد روز شنبه ۲۶ مه برگزار شده در آن ناطق ، پیرامون اهمیت و مسئولیت سنت ، و رابطه بین قرآن و سنت سخنرانی کرد، وی این برداشت نادرست را که قرآن به- تنهایی برای هدایت زندگی اسلامی کافیست رد کرد و اظهار داشت که تمام ملت‌های اسلامی و فرق گوناگون آن به قرآن و سنت هر دو معتقدند. سخنران جلسه چهارم ، که در دنباله مطلب گذشته آن روز بحث می‌کرد برادر « مصطفی- الاعظمی » بود که تحت عنوان « موقوف بودن سنت » ایراد شد و بحثهایی نظیر قواعد لازم برای تعیین اعتبار داخلی و خارجی حدیث و طبقه‌بندی حدیث را به همراه داشت .

* * *

جلسه پنجم، به دعوت اسلامی و ویژگیهای آن اختصاص داشت که در آن برادر « انیس احمد » به بحث پیرامون موضوع نامبرده پرداخت. جلسه ششم که به صورت یکی از جلسات جنبی اداره می‌شد به گزارش سالانه کنفرانس اختصاص داشت.

در جلسه هفتم برادر شیخ احمد القریشی به سئوالات اسلامی شرکت کنندگان پاسخ داد.

برنامه هشتمین جلسه که در بامداد روز یکشنبه ۲۷ مه تشکیل شد به بررسی موضوع پیامبر (ص) بعنوان رهبر و فرمانروا اختصاص داشت ناطق این جلسه پیرامون اهمیت رهبری در اسلام سخن گفت ، وی مباحثی از قبیل نفوذ و محدودیت رهبری در تصمیم‌گیری، معنی اخوت و شورا در میان مسلمین ، مفهوم نفی فرد پرستی که در رهبری اسلامی مورد نظر است، چگونگی رهبری اسلامی و رهبری موجود در جهان، نگرش رهبری اسلامی در مقابل منافقین و اساس و مفهوم موقعیت رهبری در جامعه اسلامی را پی‌گیری کرد.

سخنران در حالی که سعی می‌کرد این نکته را خاطر نشان سازد که رهبر اسلامی به امت اسلامی

در جلسه دهم با وجود این که فرصت بسیار کمی برای هر ناطق وجود داشت (۲۵ دقیقه) و ناطق در آخر می‌بایست به سئوالات شرکت‌کنندگان در زمینه سخن خود پاسخ دهد، آقای دکتر ضرابی به رئوس مطالب مربوط به انقلاب اسلامی اشاره کرد و پیرامون ماهیت و کیفیت انقلاب ایران به طور مفصّل شده به بحث پرداخت.

نماینده پاکستان تنها به ایجاد نمازخانه در سربازخانه‌ها و ادارات پاکستان و ممنوعیت استعمال و فروش مشروبات الکلی در کشورش دلخوش بود و از حکومت اسلامی همینها را می‌دانست! در اینجا بیدرنگ به یاد حافظ شیرازی افتادم که می‌گوید:

در میخانه بستند خدایا میسند

که در خانه تزویر و ریا بکشایند!

نکته دیگری که برایم تداعی شد این بود که اگر بتاريخ کشورمان برگردیم به خطرناک بودن چنین طرز تفکری می‌بینیم. در زمانی که رضاخان قلدر می‌خواست در ایران بر اوضاع مسلط شود برای آنکه پایه‌های حکومت خود را قوام بخشد دستور داد در سربازخانه‌ها اذان بگویند! و نماز بخوانند! و بعدها دیدیم که نتیجه این ریاکاری و آن طرز تفکر کار مردم را به کجا کشاند!

اینجاست که انسان به سخنان الهام‌انگیز امام خمینی در کتاب حکومت اسلامی باید گوش فرا دهد که می‌فرماید: «اگر ما مسلمانان کاری جز نماز خواندن و دعا و ذکر گفتن نداشته باشیم استعمارگران و دولت‌های جائر متحد آنها با ما هیچ کاری ندارند، شما برو هر قدر می‌خواهی اذان بگو، نماز بخوان، بیایند هر چه داریم ببرند حواله‌شان با خدا لاحول و لا قوة الا بالله العلی - العظیم، وقتی که مردم انشاءالله بما اجر میدهند! اگر منطبق ما این باشد آنها کاری به ما ندارند! آن مردک (نظامی انگلیس در زمان اشغال عراق) پرسید این که در بالای مأذنه دارد اذان می‌گوید به سیاست انگلستان ضرر دارد؟ گفتند: نه، گفت:

می‌اندیشد و نه به یک کشور در مورد اینکه روح ناسیونالیستی در رهبری اسلامی بصورت امروزی وجود ندارد گفت: امروز چنین رهبری در جهان نیست و نام امام خمینی را در یک سطر در کنار سایر رهبران کشورهای اسلامی نظیر ضیاء الحق، سادات و ملک خالد و... قرار داد که بدون درنگ مورد اعتراض قرار گرفت و هشت فقره اعتراض شدید در این مورد بوی تسلیم شد. ناطق پس از آنکه به اشتباه خود پی برد آن را تصحیح کرده اعتراف نمود که اطلاع کافی و دقیقی از رهبری اسلامی امام خمینی که به پیروزی و عظمت امت اسلامی عنایت دارد و انقلاب اسلامی را رهبری کرده و می‌کند نداشته است.

جلسه نهم به سخنرانی برادر «احمد الکادی» تحت عنوان «محمد (ص) مرد خانواده» اختصاص داشت که در آن ناطق به بحث‌هایی از این گونه درباره حضرت رسول اکرم (ص) پرداخت. محمد (ص) در اثنای زندگی به عنوان مرد خانواده با سخت‌ترین موقعیت‌هایی که یک فرد می‌تواند روبرو شود، روبرو شد، این مشکلات شامل فشارهای داخلی و خارجی روی خود و خانواده‌اش بود و نیز اتهاماتی را که به او و خانواده‌اش وارد می‌شد و رنج‌های طبیعی که از فقدان زن و فرزندش می‌برد، در بر می‌گرفت وی چنین نتیجه گرفت که خانواده پیامبر، نمونه کاملی از شرائط عملی یک خانواده است و رفتار آن حضرت قابل اجراء برای هر کس در هر مکان است. اوزندگی خانوادگی آن حضرت را به سه دوره ممتاز تقسیم کرد: دوره قبل از ازدواج - دوره ازدواج با خدیجه - و دوره بعد از مرگ خدیجه، وی اضافه کرد که ازمیان این دوره‌ها دوره قبل از ازدواج با خدیجه نقش بسیار مهمی دارد، در این دوره پیامبر «اسوه» و سرمشق کامل از عفت، صداقت، احترام و آزادی از فساد و اعمال منافی عفت بود.

« بگذار هر چه می‌خواهد بگوید: » اگر شما به - سیاست استعمارگران کاری نداشته باشید و اسلام راهمین احکامی که همیشه فقط از آن بحث می‌کنند بدانید و هرگز از آن تخطی نکنید به شما کاری ندارند.»

در این جلسه نماینده فلسطین به نقش ایران در آزادی فلسطین اشاره کرد و از ملت ایران و امام خمینی تجلیل کرد هر جا نام امام خمینی یا ملت ایران و همکاری با فلسطین برده می‌شد و از پیشرفت‌های دولت انقلاب اسلامی ایران و حرکت زنده مردم مسلمان ایران سخنی به میان می‌آمد شرکت - کنندگان با غریو « الله اکبر » از آن تجلیل کردند، در مورد پیمان خائنانه سادات، بگین، بارها شرکت کنندگان فریاد مرگ بر سادات را سردادند .

نماینده فلسطین در یکی از فرازهای سخنرانی - اش گفت وقتی که دولت ایران سفارت اسرائیل را در تهران تعطیل کرد سادات گفت من سفارت اسرائیل را در قاهره می‌گشایم و زمانی که ایران صدور نفت به اسرائیل را قطع نمود سادات بی‌درنگ گفت من نفت را به اسرائیل صادر می‌کنم .
نماینده افغانستان به جریانات و تحولات این کشور پرداخت و مجاهدات مردم این کشور را در سرنگونی رژیم دست نشانده « محمد ترکی » و جنایات روسیه در قتل عام مردم بیگناه افغانستان بازگو کرد و مجاهدات مردم افغانستان را ستود .

نماینده هند به حمله وحشیانه پلیس هند به دانشجویان دانشگاه اسلامی « علیگر » و قتل عام عده کثیری از مسلمانان کشور اشاره نمود و دولت و پلیس هند را که عده بیشماری از مسلمانان هند را در جریانات اخیر بی رحمانه به قتل رسانده‌اند مقصردانست .

در پایان جلسه قطعنامه‌ای بتصویب رسید که در آن از نهضت‌های اسلامی جهان اسلام حمایت شده بود و قتل عام مردم بیگناه هندوستان و افغانستان مورد نکوهش قرار گرفته بود و قرار بر این شد که اعضای کنگره تلگرام شدید التحنی به

حالا هم همینطور است هر چه در سر بازخانه‌ها نماز بخوانند اگر به سیاست آقای ضیاء الحق کاری نداشته باشند او هم آنها را اشاعه می‌دهد. اصولا با تمام پاکستانی‌های مسلمانی که تا کنون بحث کرده‌ام و تقریباً همه روشنفکر و تحصیل کرده بوده‌اند و آدم‌های بسیار خوش قلبی هم می‌باشند، از ضیاء الحق بعنوان احیاء کننده و خادم اسلام در پاکستان یاد می‌کنند ! و وقتی که در مقابل این سوال قرار می‌گیرند که او یک دیکتاتور است و تا کنون چندین مرتبه انتخابات را بتعویق انداخته آنها نه یک ماه و دو ماه بلکه بیش از دو سال و با وجود اینکه حکومت خود را موقت می‌داند دو سال تمام است که حکمران نظامی شماست و گوشش بدهکار حکومت اسلامی نیست اکثرشان پاسخ می‌دهند او آدم خوبی است پدرش یک روحانی بوده است! ... در اینجا است که انسان تفاوت دو ملت و رهبران آنها را درک می‌کند که دولت شاه سابق با ریاکاری هر چه تمام تر شخص مزدور و دست‌نشانده‌ای را که خود را مذهبی جلوه می‌داد و روحانی زاده نیز بود به نخست‌وزیری منصوب می‌کند و او در همان روز اول صدارتش تاریخ شاهنشاهی را بتاریخ اسلامی تبدیل می‌کند کازینوها را تعطیل می‌کند، دستور می‌دهد که اذان مغرب را که تا آن تاریخ در رادیو پخش نمی‌شد اجرا کنند به روزنامه‌ها آزادی می‌دهد. کسی که در روزهای عید فطر و غدیر در سلامهای رسمی نطق‌های خیلی زیبایی هم ایراد می‌کرد، و روز عاشورا کت و شلوار مشکی و کراوات سیاه می‌پوشید و در مجالس عزاداری شرکت می‌کرد و از این قبیل اظهار تقدس‌ها می‌نمود، اما رهبر نستوه و آگاه



سیاسی ای پاسدار حق

تأطاعت ایمان به کردگار
 درسینهی سبوتو، همواره هست باز
 تاجشمه سارو وجود تو جاری است،
 بر ریشه های نهضت آزادی زمین ،
 می گویم از زبان دل ملتی بزرگ
 از قلب پاک تمام مجاهدین :
 تانتهای هزم تو ، ای پاسدار حق
 از ماترا سپاس ، از ماترا درود
 از ملت ، سلام ودعارا پذیره باش !

تانتهای هزم تو ، ای پاسدار حق
 چون خون تازه در رگ این انقلاب هست ،
 تاسنگر تو ، سنگر حق است و دین او
 تاپاور است دین خدارا ، خدای دین ،
 تادر تبلور زیبای هستی ات
 نهضت مدام در تب و تاب تداوم است
 تادر نگاه تو بیداری و شکوه
 در لحظه لحظه ایام موج می زند
 تادست پر صلابت تو ، هر سلاح را
 درسینه های دشمن مان در نشانه است ،

از جواد محدثی

آغاز زندگانی هر آس به مرگ اوست
جز مرگ حق که مرگ وی آغاز دفتر است

ای محرم...!

الا... ای محرم

تو آن خشم خونین خلق خدائی

که از جنجر سرخ وهاک شهیدان برون زد

تو بغض کلوی تمام ستمدیدگان جهانی

که در کربلا

- نیمروزی -

به یکباره ترکید

تو خون دل و دیده روزگاری

که با جنجر کینه تو زستم بر زمین ریخت

تو خون خدائی که با خالک آمیخت

تو شب رنگ سرخی که در سالهای سیاهی درخشید

* * *

الا... ای محرم

تو خشم گره خورده‌ی سالیانی

تو آتشفشانی

تو بر ظلم دشمن گواهی

تو بر شورایمان پاکان نشانی
 تو هفتاد آیه
 تو هفتاد سوره
 تو هفتاد رمز حیاتی
 تو پیغام فریاد سرخ زمانی
 تو موجی ز دریای عصیان و خشمی
 که اتنان و خیزان
 رسیده است بر ساحل روزگاران
 تو رعدی
 تو برقی
 تو طوفان طفی
 توئی غرش تندر کوهساران...

* * *

الا... ای محرم
 تو یادآور عشق و خون و حماسه
 تو دانشگه بی نظیر جهاد و شهادت
 توئی مظهر عشق و ایثار یاران

* * *

الا... ای محرم
 به هنگام و هنگامه‌ی هجرت کاروان شهیدان
 تو آن رامبان روانبخش و مهمان نوازی
 که دریای رهپوی آزادگان، لاله‌ی ارغوان می‌فشانی

* * *

الا... ای محرم
 به چشم ودل قهرمانان و آزاد مردان
 که همواره بر ضد بیداد، قامت کشیدند

در صفحه‌ی سرخ تاریخ ، زیباترین نقش را آفریدند
تو آن آشنای کهن یاد دشمن ستیزی
که همواره دریاداشانی

* * *

الا ، ای محرم
تو آن کیمهای دگرگونه سازی
که مرگ حیات آفرین را

- به نام شهادت -

به اکسیر عشقی
که در التهاب سرانگشت عشق آفرینت نهفته‌ست
چو شهدی مصفا و شیرین
به کام پذیرندگان می‌چشانی

دنباله : با ویژگیهای ...

و چشم بینا و گوش شنوائی در آن وجود ندارد ،
برای اعمال نیک و بد انسان در متن خلقت حساب
و کتابی نیست ، و جهان ماده در برابر اعمال انسان
هیچ نوع واکنشی از خود نشان نخواهد داد .
در صورتیکه در جهان بینی الهی ، همه ذرات جهان ، از
علم و شعور ویژه‌ای آگاهند ، و هم خالق جهان ،
برای ضبط اعمال او ، حساب و کتابی ، باز کرده
است .

این ویژگیهای مکتب‌های مادی است مهم
این نیست که از ویژگی‌های دو مکتب آگاه گردیم
بلکه مهم این است که در ارزیابی از حق و حقیقت ،
منحرف نگردیم و پیراهن کهنه تمصب را از تن
بیرون کنیم و حقیقت را دریابیم .

اکنون که با قدم‌مشترک‌های مکتب‌های مادی
آشنا شدیم ، لازم است که با خصوصیات و ویژگی‌های
مکتب مارکس که سروصدائی بیشتری ایجاد کرده
است آشنا شویم .

تجیه : انسان بی‌ت وجود ...

«عضوی» یعنی تراکم سلولهای رنگ پوست در
قسمتهای مختلف با اندازه‌های مختلف .

دیگری اختلاف « زبان » هاست که آن بستگی
بمغز انسانی و نحوه بکاربردن آلات صوتی (زبان
و دهان و حلق و حنجره و لب) برای طرز تکلم
بخصوص و توجه بمعانی مخصوص دارد و در اثر
پرورش انسان و بمیل واراده او صورت می‌گیرد
اگرچه ساختمان و اندازه مخصوص هر کدام از آنها
در اشخاص مختلف ممکنست ظنین یا شدت صدرا
تغییر دهد که البته آن کاری به تکلم ندارد و بلکه
مربوط بدرشتی یا کلفتی یا بیصدائی و نرمی یا زبر و
آنست .

و در همه این پدیده‌ها آیاتی موجود است که اهل
دانش و بینش آنرا بهتر میفهمند .

۱- برای آگاهی بیشتر از هستی‌های غیر مادی به کتاب : شناخت صفات خدا ، صفحات ۱۳۶ و

(۲) چرا مسیحی نیستم

۱۵۰ مراجعه بفرمائید